

هویت ایرانی در آثار منظوم عصر سلجوقی

* صالح پרגاری

E-mail: pargari@khu.ac.ir

** حسین محمدی

E-mail: h.mohammadi@khu.ac.ir

*** محسن جعفری

E-mail: mohsenjafary@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۶

چکیده

یکی از منابع مهم شناخت هویت ایرانی، ادبیات فارسی است. در این پژوهش، هویت ایرانی در دیوان شش شاعر برجسته دربار سلجوقیان بزرگ، شامل ادیب صابر ترمذی، ازرقی هروی، انوری، امیرمعزی، عبدالواسع جبلی و لامعی گرگانی با تأکید بر سه مقوله: ۱- کاربرد واژه ایران و عجم ۲- توجه به شخصیت‌های اساطیری ایران ۳- توجه به جشن‌های ایرانی بررسی شده است. پرسش اصلی این است که این شاعران تا چه میزان به این مؤلفه‌های هویتی توجه داشته‌اند. در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان داد واژه ایران هفتاد و شش بار و عجم نود بار در دیوان‌ها آمده است. در این دیوان‌ها از سی و هفت شخصیت اساطیری ایران نام برده شده بود که نام ده شخصیت مهم ۵۱۵ بار در اشعار آمده بود که نشان از کاربرد گسترده اساطیر ایرانی در شعر شاعران سلجوقی دارد. بررسی جشن‌ها نیز نشان می‌دهد نوزده و مهرگان به گسترده‌گی در دربار سلجوقی برگزار شده است و مهم‌ترین مشوق قصاید مناسبتی شاهان سلجوقی بوده‌اند با این همه وزیران و دیوانیان ایرانی نیز از سرایش چنین اشعاری حمایت کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: ایران، سلجوقیان، نوزده، مهرگان، هویت ایرانی.

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی، نویسنده‌ی مسؤول

** استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی

*** دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی

مقدمه

ادبیات فارسی به‌ویژه شعر، به‌عنوان وجه غالب ادبی ایران بعد از اسلام با جذب اساطیر و شخصیت‌های ایرانی و جنبه‌های فرهنگی ایران نقش مهمی در انتقال این میراث فرهنگی به نسل‌های بعدی داشت و یکی از عوامل استمرار هویت ایرانی در طول تاریخ بعد از اسلام بود. دوره سلجوقی دوران ویژه‌ای در تاریخ ایران به‌شمار می‌رود. حاکمان ترک سلجوقی پیش از آمدن به خراسان آشنایی چندانی با تاریخ و فرهنگ ایران نداشتند؛ چنان‌که بیهقی از طغرل نقل می‌کند که «ما مردمان نو و غریبیم، رسم‌های تازیگان ندانیم» (بیهقی، ۱۳۷۴: ج ۳، ۸۸۵). در چنین شرایطی اهل قلم، یعنی دیوانیان و ادیبان ایرانی نقش مهمی در آشنا کردن سلجوقیان با فرهنگ و تاریخ ایران داشتند.

توجه به هویت ایرانی در میان ادیبان ایرانی دوره سلجوقی با رویکرد یکسانی روبرو نبود. از نگاه هویتی می‌توان آثار منظوم این دوره را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد: ۱- آثار با رویکرد ایران‌گرایانه: مهم‌ترین آثار این گروه، منظومه‌های حماسی هستند. قرن چهارم تا ششم را می‌توان اوج سرایش داستان‌های کهن فارسی دانست. از این دوره منظومه‌های حماسی متعددی که به شخصیت‌های اساطیری ایران می‌پرداختند، باقی مانده است (رزمجو، ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۲۰). مهم‌ترین شاعران این گروه، اسدی طوسی و نظامی گنجوی هستند که برجسته‌ترین آثار داستانی این دوره را خلق کردند. ۲- آثار با نگاه منفی به هویت ایرانی: این دسته از آثار منظوم نگاهی تحقیرآمیز به میراث ایرانی داشتند و آن را به «گبران» منسوب می‌کردند و با تکیه بر هویت اسلامی به نفی میراث ایرانی می‌پرداختند. منظومه یوسف و زلیخا که در قرن ششم سروده شده و شاعر آن ناشناخته است (صفا، ۱۳۷۸: ج ۱، ۴۹۰)، مهم‌ترین اثر در این گروه است که در آغاز آن داستان‌های ایرانی، «دروغ» توصیف شده است و سراینده از این‌که برخی داستان‌های باستانی ایران را به نظم درآورده ابراز ندامت می‌کند (یوسف و زلیخا، ۱۳۳۴ق: ۵). ۳- دیوان شاعران: دیدگاه هویتی این آثار به اندازه دو گروه قبلی آشکار نیست و رویکرد سراینده‌گان در لابلای ابیات آن مستتر است؛ از این‌رو شناخت نگاه آنها به هویت ایرانی نیاز به واکاوی و تحلیل دارد.

در این پژوهش می‌کوشیم رویکرد این گروه از شاعران به هویت ایرانی را با تکیه بر مؤلفه‌های هویتی مشخص تحلیل کنیم. از آنجا که امکان تحلیل دیوان تمام شاعران دوره سلجوقی وجود ندارد، شش شاعر شاخص، که بیش‌ترین ارتباط با دربار

سلجوقیان بزرگ را داشته‌اند انتخاب کرده‌ایم. این دیوان‌ها می‌توانند اطلاعاتی درباره جایگاه هویت ایرانی در دربار سلجوقی را نیز در اختیار بگذارند.

تاکنون درباره هویت ایرانی در شعر دوره سلجوقی پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ اما شعبانی و انصاری در مقاله‌ای با عنوان «باستان‌گرایی در اندیشه و شعر امیر معزی» معتقدند معزی توانست با زبان نافذ شعر و ادب، شبیه‌سازی سلاطین سلجوقی با سلاطین خوش‌نام ایران، پرداختن به جشن‌ها و اعیاد باستانی و احیای نمادها و سمبل‌های باستانی در شعر خود نقش مهمی در احیای فرهنگ ایران باستان داشته باشد (شعبانی و انصاری، ۱۳۹۱: ۵۷).

احمد اشرف در فصلی از کتاب «هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی»، به هویت ایرانی در دوره سلجوقی می‌پردازد. او معتقد است هویت ایرانی در دوره سلجوقیان وارد دوره‌ای از تغییرات پیچیده شد. در این دوران سقوط حماسه ایرانی و کاربرد کم واژه ایران در شعر و تاریخ‌نگاری فارسی با شکوفایی زبان و ادبیات فارسی و گسترش آن هم‌زمان شد (اشرف، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

عباس سرافرازی در مقاله خود با عنوان «تقویت مبانی هویت ملی ایران در دوره سلجوقی» معتقد است در دوره سلجوقی تداوم تاریخی و فرهنگی ایران زمین حفظ شده است. او با تأکید بر نقش وزیران و دیوان‌سالاران ایرانی معتقد است در این دوره علاوه بر زبان و ادب فارسی، اندیشه ایرانشهری نیز تداوم یافت (سرافرازی، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۸۳). محسن جعفری در مقاله «نوروز در ادبیات منظوم عصر سلجوقی»، کاربرد نوروز در دیوان ده شاعر دوره سلجوقی را بررسی کرده است. این پژوهش با نگاه کمی، بیشترین یادکرد نوروز را در دیوان امیرمعزی، خاقانی و ناصر خسرو می‌داند (جعفری، ۱۳۹۵: ج ۱، ۳۵۹).

پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی این پژوهش آن است که شش شاعر مهم دربار سلجوقی تا چه اندازه به مؤلفه‌های هویت ایرانی توجه داشته‌اند؟ میزان کاربرد واژه ایران و مشتقات آن در آثار منظوم دوره سلجوقی چقدر است؟ مهم‌ترین شخصیت‌های اسطوره‌ای مورد توجه شاعران سلجوقی چه کسانی بوده‌اند؟ جشن‌های ایرانی چه بازتابی در شعر شاعران داشته است؟ با توجه به وابستگی شاعران به دربار، رویکرد دربار سلجوقی به مؤلفه‌های هویت ایرانی چه بوده است؟

تعریف مفاهیم

هویت یا الهویه کلمه‌ای عربی است این کلمه از هو به معنی او، که ضمیر غایب مفرد مذکر است می‌آید (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۰). هویت، فرآیند پاسخ‌گویی آگاهانه هر فرد به یک دسته سؤالات در مورد خودش است؛ از گذشته‌اش که او چه کسی است، کجا بود، چه بود، چه هست و به چه قبیله، نژاد یا ملت تعلق دارد، منشأ ابتدایی و اصلی‌اش کجاست و در تمدن جهان چه نقشی داشته است (باوند، ۱۳۷۷: ۲۰). برخی جامعه‌شناسان هویت را معناداری جامعه دانسته‌اند؛ یعنی جامعه معنایی برای خودش قائل باشد و در چهارچوب آن عمل کند. برخی دیگر نیز بر جنبه تمایزی هویت تأکید می‌کنند و معتقدند هویت، داشتن احساس تمایز و استقلال است (شمشیری، ۱۳۸۷: ۲۰). هویت سطوح مختلفی دارد که از هویت فردی تا بالاترین، یعنی ملت و حتی جامعه جهانی را شامل می‌شود. به‌لحاظ نظری هویت ایرانی را می‌توان براساس دیدگاهی مبتنی بر جامعه‌شناسی، که حاصل واکاوی منابع تاریخی باشد تبیین کرد. در این دیدگاه خودآگاهی ملی در جوامع کهنی نظیر ایران به سده‌های پیش از دوره معاصر باز می‌گردد. آنتونی اسمیت مهم‌ترین نظریه‌پرداز است که به تفاوت میان معنای تاریخی ملت و ملی‌گرایی مدرن باور دارد. او معتقد است اگرچه ملی‌گرایی پدیده‌ای مدرن و متعلق به دوران معاصر است، اما منابع اصلی ملت‌ها و هویت‌های ملی را باید در زمان‌های دورتری جست‌وجو کرد. او به وجود ملت‌های تاریخی مانند ایران معتقد است (اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۵۲). احمد اشرف نیز بین هویت ایرانی و هویت ملی ایرانی تمایز قائل شده است و هویت ایرانی را امری تاریخی می‌داند (اشرف، ۱۳۹۵: ۳۸).

پژوهشگران برای هویت ایرانی عناصر مختلفی قائل شده‌اند که آنها را می‌توان در چهار محور خلاصه کرد: ۱- میراث فرهنگی (آیین‌ها، زبان ملی و دین) ۲- سرزمین (ایران و ییچ، ایران‌زمین، ایرانشهر و غیره) ۳- میراث سیاسی ۴- تاریخ ملی (احمدی، ۱۳۸۸: ۳۰۸). در این میان زبان و ادبیات به دلیل آن‌که می‌تواند بستری برای بروز و انتقال هویت ایرانی باشد اهمیت بیشتری دارد.

روش تحقیق

یکی از روش‌هایی که امروزه به‌عنوان یک روش کارآمد در تحقیقات علوم انسانی به کار گرفته می‌شود، روش تحلیل محتوایی^۱ است. در این روش پژوهشگر می‌کوشد با

1. Content Analysis

استفاده از مطالعه متن و استفاده از ابزارهای کمکی آن به داده‌هایی دست یابد و از طریق اجزای متن، کلمه‌ها، جمله‌ها و... در تعدادی مقوله از پیش تعیین شده نتیجه تحلیل را تعیین کند (هولستی، ۱۳۸۰: ۱۳).

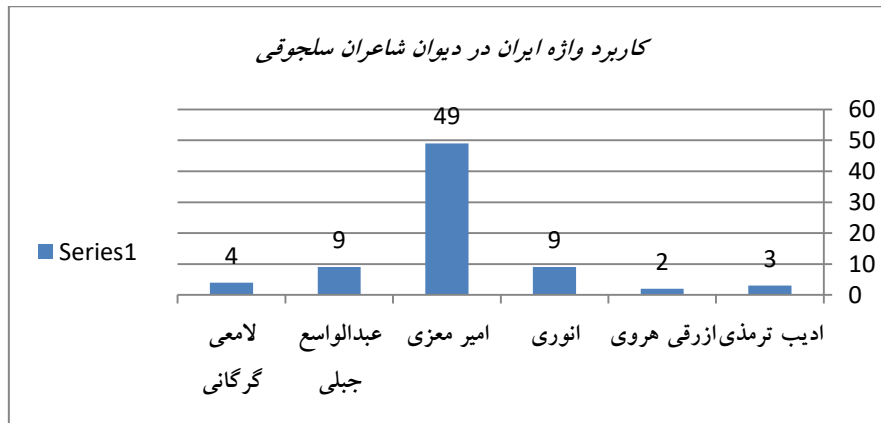
در این پژوهش در سه مقوله به تحلیل هویت ایرانی در آثار شاعران دوره سلجوقیان بزرگ می‌پردازیم: ۱- کاربرد کلمه ایران و مشتقات آن ۲- توجه به شخصیت‌های اساطیری ایرانی ۳- توجه به جشن‌های ایرانی. این مؤلفه‌ها در آثار شش شاعر دوره سلجوقیان بزرگ مورد بررسی قرار گرفت. این شاعران شامل امیرمعزی، انوری، عبدالواسع جبلی، صابر ترمذی، لامعی گرگانی و ازرقی هروی می‌باشند. این شش شاعر به دو دلیل عمده انتخاب شدند: ۱- همه این شاعران در دربار سلاطین سلجوقی روزگار می‌گذراندند ۲- از این شاعران دیوان شعر تصحیح شده موجود بود.

برای هر یک از سه مقوله مورد بررسی کلیدواژه‌هایی برای جست‌وجو در دیوان اشعار انتخاب شد. برای بررسی کاربرد کلمه ایران، واژه‌های ایران و مشتقاتش مانند ایران‌زمین، ایرانشهر و... و واژه عجم و مشتقاتش جست‌وجو شد. ۳۷ شخصیت اساطیری ایرانی از دوره پیشدادی تا ساسانی در شعر شاعران این دوره یافت شد که ده شخصیت که بیش‌ترین بسامد را در دیوان‌ها داشتند برگزیده و سیمای آنان در شعر شاعران تحلیل شد. سه جشن بزرگ باستانی ایران شامل نوروز، مهرگان و سده نیز در دیوان‌ها مورد بررسی قرار گرفت. جهت دست‌یابی به این اطلاعات، هر شش دیوان به‌دقت مطالعه شد و کلید واژه‌ها از آنها استخراج شد.

یافته‌های پژوهش

ایران در شعر دوره سلجوقی

در دیوان شش شاعر دربار سلجوقی جمعاً هفتاد و شش بار واژه ایران و مشتقات آن به‌کار رفته است.



در میان این شاعران امیر معزی با ۴۹ بار، بیشتر از دیگران از واژه ایران در آثار خود استفاده کرده است. امیر معزی ۱۴ مرتبه ایران را در کنار توران و به صورت دو جغرافیای متمایز به کار برده است. در این اشعار ایران و توران همچون دو سرزمین جدا و با هویتی متمایز و حتی متضاد توصیف شده‌اند. برای نمونه در بیت زیر امیر معزی برای بیان تمایز و تفاوت بین ایران و توران آن را با مشرق و مغرب مقایسه کرده است:

«ای گشته همچو مشرق، مغرب به تو مزین وی گشته همچو ایران، توران به تو مهنا»
(امیر معزی، ۱۳۱۸: ۴)

در ده مورد امیر معزی واژه ایران را به معنای یک نام جغرافیایی به کار برده و در هفت مورد از واژه شاه ایران در اشعار خود استفاده کرده است، که نشان می‌دهد این عنوان در دوره سلجوقی برای نامیدن پادشاهان سلجوقی به کار می‌رفته است. برای نمونه:

دین یزدان را نظام و شاه ایران را پدر ملک را فخر و جهان را صدر و دولت را قوام»
(امیر معزی، ۱۳۱۸: ۴۷۰)

امیر معزی دو مرتبه از ترکیب «کشور ایران» (امیر معزی، ۱۳۱۸: ۶۵۵ و ۱۱۲)، دو بار از اصطلاحات «ملک ایران» و «مملکت ایران» (امیر معزی، ۱۳۱۸: ۱۱۹ و ۶۸) و دو مرتبه از واژه «ایران شهر» (امیر معزی، ۱۳۱۸: ۹۹ و ۲۸۵) در دیوان خود استفاده کرده است. او یک بار واژه «ایران زمین» (امیر معزی، ۱۳۱۸: ۱۵) و یک بار نیز واژه «ایرانیان» را به کار برده است (امیر معزی، ۱۳۱۸: ۷۹۵).

نُه بار واژه ایران در دیوان عبدالواسع جبلی آمده است. او هفت بار از ایران در کنار توران، یک بار از ترکیب «سپهدار ایران» (عبدالواسع جبلی، ۲۵۳۶: ۲۹۱) و یک بار هم از ترکیب «ملک ایران» (عبدالواسع جبلی، ۲۵۳۶: ۱۷۴) استفاده کرده است.

آفرین باد بر آن شاه که فرمانده خلق
 زیر فرمانش همه مملکت ایران کرد
 (امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۱۹۱)

آن که شاهان را به ایرانشهر سر بر نام اوست
 وان که خاقان را به توران نامه او بر سرست
 (امیرمعزی، ۱۳۱۹: ۹۹)

عدل و انصاف تو اندر پیشه ایران زمین
 آشتی دادستی با شیر ژیان، روباه را
 (امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۱۵)

انوری در یک قصیده هفت بار از واژه ایران استفاده کرده که یک بار آن ترکیب «کشور ایران» است. این قصیده خطاب به خاقان سمرقند سروده شده است و انوری در آن از حمله غزان و ویرانی‌های حاصل از آن آه و فغان سر می‌دهد.

کشور ایران چون کشور توران چو تو راست
 از چه محرومست از رفت تو این کشور
 (انوری، ۱۳۶۴: ۱۰۷)

جز این، در دیوان انوری تنها یک بار دیگر واژه ایران آمده است (انوری، ۱۳۶۴: ۳۲۷). لامعی گرگانی چهار مرتبه از واژه ایران در اشعار خود استفاده کرده که در آن ایران در معنی واحد سیاسی - جغرافیایی متمایز به کار رفته است.

اگر بیرون برد قیصر ز امر و طاعت او سر
 امیر آرد از آن کشور به قهر او را سوی ایران
 (لامعی گرگانی، ۱۳۱۹: ۱۴۲)

ادیب صابر ترمذی در سه بیت از واژه ایران استفاده کرده که یک بار در کنار توران و دو بار به عنوان یک واحد سیاسی - جغرافیایی متمایز است.

رایت عالیش کز ایران به توران بازگشت
 فر و پیروزی ز ایران باز توران آمدند
 (ادیب صابر ترمذی، ۱۳۸۵: ۹۳)

ازرقی هروی هم با سه بار استفاده از واژه ایران کمترین توجه را به این مسأله داشته است. او دو بار ممدوح خود، طغانشاه سلجوقی را «خسرو ایران» (ازرقی هروی، ۱۳۳۶: ۷۴) نامیده که یک بار خطاب به او سروده است:

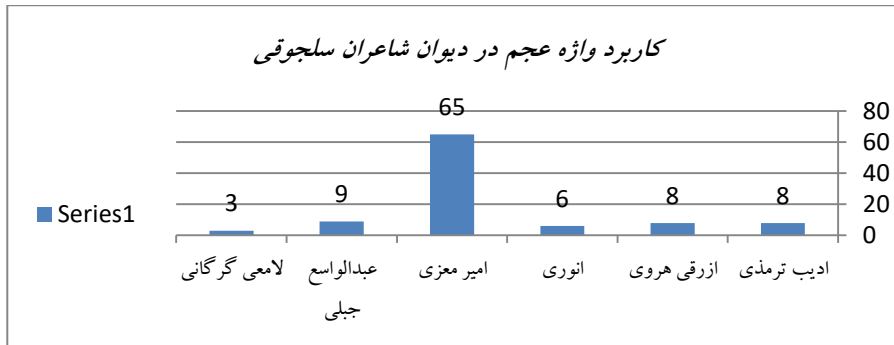
خوبی از ایوان شاهنشاه ایران بگذرد
 چون تو در ایوان شاهنشاه ایران بگذری
 (ازرقی هروی، ۱۳۳۶: ۹۰)

آنچه در این بیت قابل توجه است آن است که عنوان «شاهنشاه ایران» نه به حاکم هرات، که به سلطان بزرگ سلجوقی اطلاق شده است.

عجم در شعر دوره سلجوقی

در کهن‌ترین لغت‌نامه عربی به نام «العین»، تألیف خلیل بن احمد فراهیدی (متوفی

حدود (۱۷۵ ق)، عجم به معنی غیرعرب تعریف شده است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۱)، (۲۳۷). با این وجود معنای اخص کلمه عجم در منابع جغرافیایی جهان اسلام و ادبیات فارسی بیشتر به فارسی‌زبانان اطلاق می‌شود.



واژه عجم نود بار در این شش دیوان آمده، که نشان از گستردگی کاربرد آن دارد. معزی ۶۵ بار از واژه عجم و ترکیبات آن استفاده کرده که در ۴۰ مورد واژه عجم در کنار واژه عرب آمده است. برخلاف تمایز ایران و توران که متکی بر تمایز جغرافیایی بود، در بیشتر این ابیات شخصیت‌ها یا ویژگی‌های فرهنگی عرب و عجم با یکدیگر مقایسه شده است. این ابیات نشان از تمایز فرهنگی و هویتی میان ایرانیان و اعراب در اشعار امیرمعزی دارد. برای نمونه امیرمعزی، در شعری که به مناسبت تقارن عید قربان و نوروز سروده آورده:

جشن آن هست در عرب سنت جشن این هست در عجم آیین
(امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۵۱۸)

وی در بیتی دیگر «نظم عجم» را بر نظم عرب برتری داده است:

نظم عجم ز نظم عرب خوب‌تر بود چون لفظ پاک داری و معنی پیروری
(امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۷۲۶)

او ۱۰ بار از واژه عجم، پنج بار از ترکیب «شاه عجم» و دو بار نیز ترکیب «خداوند عجم» استفاده کرده است. علاوه بر این او چهار بار ایران را «ملک عجم» نامیده است.

از فر تو فخر ملک عجم را بیفزود عز و بزرگی و مفخر
(امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۳۷۷)

او از ترکیبات «بزرگان عجم»، «دارای عجم» و «خسرو عجم» نیز استفاده و یک بار هم از تقویم ایرانی با اصطلاح «شمار عجم» یاد کرده است (امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۱۲۰).

تا ز قانون شمار عجم و گردش سال

دی پس از آذر و خرداد ز پیش تیرست

(امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۱۲۰)

عبدالواسع جبلی شانزده بار واژه عجم را در اشعار خود آورده که در پانزده مورد واژه عرب و عجم با هم آمده و تنها یک مورد از عجم به صورت عام استفاده شده است. در اینجا نیز عرب و عجم بیشتر به دلایل فرهنگی متمایز شده‌اند (عبدالواسع جبلی، ۲۵۳۶: ۲۳).

ازرقی هروی در دیوان خود هشت بار واژه عجم را آورده است که دو بار از اصطلاح «خدایگان عجم»، یک بار از «بزرگان عجم»، یک بار از «سواران عجم» و یک بار از عنوان «شاه عجم» استفاده کرده است. نکته قابل توجه آن است که در بیتی که شاه عجم در آن آمده این عنوان نه برای ممدوح، که برای سلطان بزرگ سلجوقی استفاده شده است.

شجاع دولت پاینده، سعد ملک حسن

امیر شاه عجم، میر غور و غرجستان

(ازرقی هروی، ۱۳۳۶: ۷۷)

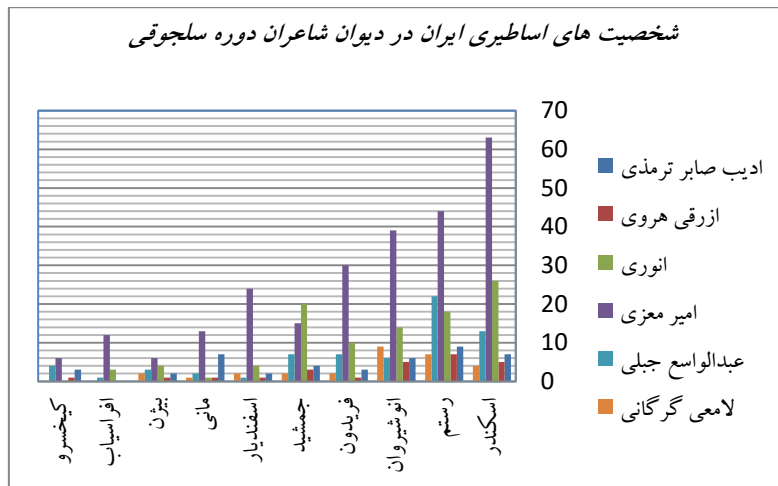
ادیب صابر ترمذی نیز هشت بار واژه عجم را در اشعار خود آورده که در شش مورد از عرب و عجم در کنار هم و دو بار از واژه عجم به صورت عام بهره برده است. لامعی گرگانی سه بار از واژه عجم استفاده کرده که یک بار عجم را در معنی ایران آورده (لامعی گرگانی، ۱۳۱۹: ۱۱)، یک بار عرب و عجم را با هم به کار برده و یک بار نیز از اصطلاح شاه عجم استفاده کرده است (لامعی گرگانی، ۱۳۱۹: ۹۵).

شخصیت‌های اساطیری ایران در شعر سلجوقی

شاهنامه به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار ادبی تاریخ زبان فارسی، تأثیر قاطعی در جاودان ساختن شخصیت‌های اساطیری ایران باستان داشت. دیوان شاعران دوره سلجوقی به خوبی نشان از توجه ویژه آنها به این شخصیت‌ها دارد به گونه‌ای که در اکثریت قصاید این دوره از شخصیت یا داستانی مرتبط با ایران یاد شده است.

در بررسی دیوان‌های شش شاعر برجسته دربار سلجوقی، سی و هفت شخصیت شاهنامه‌ای یافت شد که پس از بررسی آماری ده شخصیت پرکاربرد شاهنامه‌ای در اشعار این دوره به ترتیب عبارتند از: ۱- اسکندر (۱۱۸ بار) ۲- رستم (۱۰۷ بار) ۳- انوشیروان (۷۹ بار) ۴- فریدون (۵۳ بار) ۵- جمشید (۵۱ بار) ۶- اسفندیار (۳۴ بار) ۷- مانی (۲۵ بار) ۸- بیژن (۱۸ بار) ۹- افراسیاب (۱۶ بار) ۱۰- کیخسرو (۱۴ بار).

در نمودار زیر می‌توان توجه به هر یک از این شخصیت‌ها براساس شاعران را مشاهده کرد.



اسکندر مهم‌ترین شخصیت مورد توجه شاعران سلجوقی است. گفتنی است در متون تاریخی و ادبی کهن با سه شخصیت متفاوت از اسکندر روبرو هستیم: شخصیت تاریخی اسکندر مقدونی، اسکندر منفور متون پهلوی و اسکندر متون ادبی دوره اسلامی از جمله شاهنامه و اسکندرنامه‌های منظوم که شخصیتی داستانی و افسانه‌ای است (صفوی، ۱۳۶۴: ۷۱). بررسی اشعار سلجوقی نشان می‌دهد اسکندر در این اشعار به سه دلیل مورد توجه است: ۱- سد سکندر ۲- فتوحات ۳- آب حیات؛ که هر سه مورد با شخصیت داستانی اسکندر در ارتباط هستند. سد اسکندر مهم‌ترین ویژگی مورد علاقه شاعران سلجوقی است. امیر معزی ۱۶ بار در اشعار خود به آن اشاره کرده است. یکی از مضامین مورد علاقه شاعران برتری دادن فتوحات ممدوح بر پیروزی‌های اسکندر است.

شاهها تو در فتوح فزون از سکندری *وان تیغ جان ربای تو سد سکندرست*

(امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۷۸)

رستم، قهرمان اسطوره‌ای ایران دومین شخصیت مورد علاقه شاعران سلجوقی و نماد دلاوری و زور بازو در شعر این دوره است. شاعران عمدتاً برای خوش‌آیند ممدوحان خود، زور بازو و توان ممدوح یا جنگجویانشان را برتر از رستم داستان برمی‌شمردند.

شاهی که زیر جوشن خفتان به روز رزم *زور هزار رستم و اسفندیار یافت*

(انوری، ۱۳۶۴: ۱۱۰)

انوشیروان در شعر این دوره نماد عدل است (لامعی، ۱۳۱۹: ۱۱۶). فریدون به دو دلیل فره‌مندی و بنیان‌گذاری جشن مهرگان مورد توجه است. جمشید نماد شکوه و قدرت پادشاهی در شعر سلجوقی است (ازرقی هروی، ۱۳۳۶: ۹۲). نام اسفندیار در ادب سلجوقی بیش از هر چیز به‌عنوان نماد توانایی و زورمندی مطرح می‌شود، به‌طوری‌که بارها نام او در کنار نام رستم آمده است که خود اشاره به داستان رزم این دو پهلوان شاهنامه‌ای دارد. مانی پیامبر آیین مانویت در آثار ادبی این دوره به علت توانایی خود در نقاشی مورد توجه است (ازرقی هروی، ۱۳۳۶: ۸). نام بیژن در شعر سلجوقی با تلمیح به داستان شاهنامه‌ای او همراه است (ازرقی هروی، ۱۳۳۶: ۶۹) و کیخسرو نیز به دلیل فتوحات و روشن ضمیری مورد توجه است (امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۶۷۶).

افراسیاب تنها شخصیت تورانی است که در دوره سلجوقی به‌عنوان پادشاه برجسته تورانیان که از نگاه شاعران این دوره با ترکان برابر بودند، اهمیت داشت. در دیوان‌های بررسی شده چندان تفاوتی میان افراسیاب و دیگر شخصیت‌های شاهنامه‌ای گذارده نشده است. امیرمعزی همچنان‌که سربازان سلطان را برتر از رستم می‌خواند، درباره افراسیاب نیز سروده:

آن که کمتر خادم او برتر از اسفندیار وانکه کمتر چاکر او برتر از افراسیاب

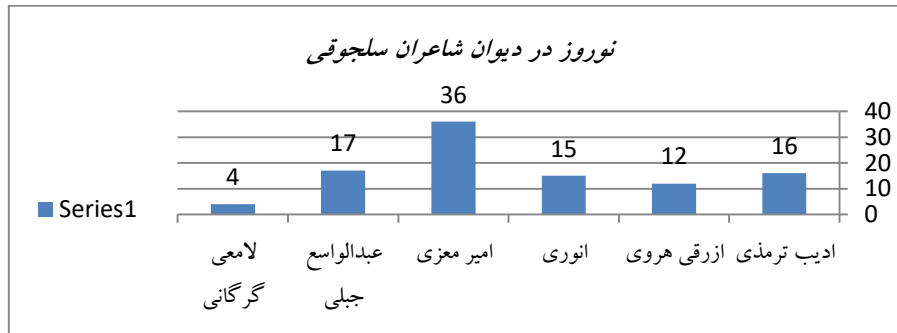
(امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۷۵)

این رویکرد در اشعار مدحی این دوره رواج بسیار دارد. در این اشعار شاعر می‌کوشد ممدوح خود را بالاتر از همه این شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای قرار دهد. اوج این نوع نگاه، قصیده‌ای مدحی از امیرمعزی در ستایش ملکشاه است (امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۲۶۷). او در این قصیده پس از تأکید بر این‌که «آنچه او امسال کرد از پادشاهان کس نکرد»، بر فردوسی خرده می‌گیرد که دروغ‌های بسیاری به رستم نسبت داده است و با ستایش فتوحات ملکشاه تنها آنها را شایسته ستایش می‌داند. این نوع نگاه در اشعار مدحی دوره غزنوی، به‌ویژه اشعار فرخی سیستانی نیز سابقه داشته است (طبسی، ۱۳۸۰: ۵۳).

جشن‌های ایرانی در شعر دوره سلجوقی

یکی از مهم‌ترین مضامین سرایش اشعار مدحی، مناسبت‌های مختلف مورد احترام دربار بود. نوروز، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین این مناسبت‌ها مورد توجه بسیار شاعران قرار داشت. بررسی محتوایی سروده‌ها نشان داد که ابیات را می‌توان براساس محتوا به سه دسته

تقسیم کرد که به ترتیب فراوانی عبارتند از: ۱- نام بردن از نوروز به عنوان یک مناسبت
۲- سرودن اشعار مدح آمیز نوروزی و تبریک نوروز ۳- به تصویر کشیدن سنت های
نوروزی. در نمودار زیر فراوانی استفاده از نوروز در دیوان هر یک از شاعران آمده است.



۱- نام بردن از نوروز به عنوان یک مناسبت: پربسامدترین کاربرد نوروز در آثار منظوم دوره سلجوقی، استفاده از واژه نوروز به عنوان یک اسم خاص است. در این ابیات صرفاً از نوروز به مثابه یک مناسبت نام برده شده است. این ابیات از نظر شناخت نوروز و آیین هایش ارزش چندانی ندارند، اما صرف نام بردن از نوروز نشان از توجه شاعران و اهمیت این جشن در دوره سلجوقی دارد.

نماز و روزه تو هر دو مقبول همه روز تو از نوروز خوشتر

(امیر معزی، ۱۳۱۸: ۳۳۸)

تا گه آید عید و آید نوروز و بود غره شوال این آن اورمزد فروردین

(لامعی گرگانی، ۱۳۱۹: ۱۳۷)

۲- سرودن اشعار مدح آمیز نوروزی: در دوره سلجوقی سرودن اشعار مدح آمیز نوروزی رواج فراوان داشته است. از بررسی آثار شاعران مشخص می شود ممدوحان آنان در برگزاری نوروز سعی وافری داشته اند و از این رو بازار سرودن اشعار نوروزی بسیار داغ بوده، تا آن جا که ازرقی هروی سرایش اشعار را «رسم نوروزی» (ازرقی هروی، ۱۳۳۶: ۱) خوانده است.

روزش به فرخی همه نوروز و عید باد ماهش به خرمی همه نیشان و تیر باد

(انوری، ۱۳۶۴: ۷۲)

از بیست و هفت مدیحه نوروزی در دیوان شاعران سلجوقی، شانزده شعر در مدح شاهان و برای تبریک نوروز به آنان و یازده شعر در مدح دیوانیان شامل وزیران و سایر

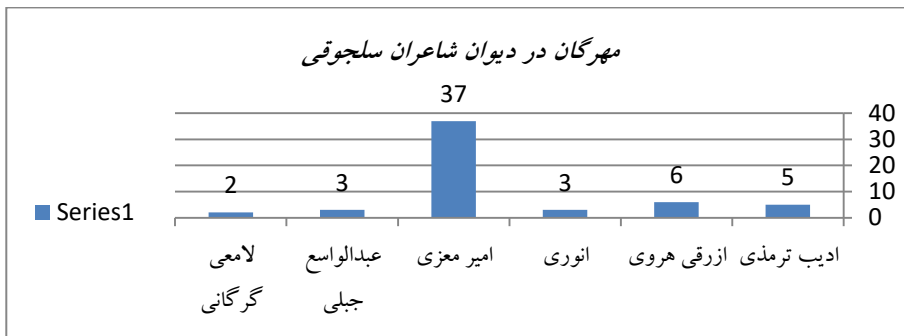
اهل قلم سروده شده است. این آمار نشان می‌دهد شاهان سلجوقی مهم‌ترین حامیان این سروده‌ها بوده‌اند و در عین حال سند برگزاری نوروز تا پایان حکومت سلجوقیان بزرگ است؛ چراکه امیرمعزی دو شعرش را به سنجر تقدیم کرده است. شاعران دربار سلجوقی در عین حال چشم به بخشش‌های نوروزی دیوانیان، به‌ویژه وزیران نیز داشته‌اند و دیوانیان هم از سرودن اشعار نوروزی پشتیبانی می‌کرده‌اند.

۳- به تصویر کشیدن سنت‌های نوروزی: به‌طورکلی شاعران توجه چندانی به بیان چگونگی برگزاری نوروز در دربارها و نزد عامه مردم نداشته‌اند. امیر معزی به رسم هدیه دادن در روز نوروز اشاره می‌کند (امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۳۲۱). شادی و شادخواری (ازرقی هروی، ۱۳۳۶: ۳۵) و بیرون رفتن در ایام نوروز (عبدالواسع جبلی، ۲۵۳۶: ۲۵۹) از دیگر رسوم مورد اشاره شاعران است.

روز نوروزست و هر بنده نثار آرد همی
بنده شاعر همی خواهد که جان آرد نثار
(امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۳۲۱)

طرب افزای بهار آمد و نوروز رسید
باز باید شد بر راه طرب پیش بهار
(ازرقی هروی، ۱۳۳۶: ۳۵)

اشعار مهرگان در شعر سلجوقی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱- نام بردن از مهرگان در اشعار ۲- سرودن اشعار تقدیمی مهرگان ۳- تشبیه مهرگان به فراغ یار یا مرگ. در نمودار زیر کاربرد مهرگان در اشعار شاعران دربار سلجوقی آمده است.



مهم‌ترین اشعار مهرگانی از امیرمعزی باقی مانده است. او در دیوان خود ۳۷ بار از مهرگان نام برده که شامل چهارده قصیده سروده شده به مناسبت مهرگان است. بررسی این اشعار نشان می‌دهد، هشت قصیده به پادشاهان سلجوقی تقدیم شده است. ممدوح بعضی از این قصاید مشخص نیست، اما ملکشاه سلجوقی با سه قصیده بیشترین تعداد

قصاید مهرگانی را به خود اختصاص داده و شش قصیده در مدح وزیران سلجوقی است. خواجه نظام‌الملک، مجدالملک، فخرالملک و مویدالملک از جمله این وزیران هستند. یک قصیده نیز به یکی از دیوانیان تقدیم شده است.

این آمار نشان می‌دهد هم شاهان و هم دیوانیان از سرایش اشعار مهرگانی استقبال می‌کرده‌اند. در لابلا‌ی اشعار امیر معزی می‌توان برخی از جنبه‌های برگزاری جشن مهرگان در دربار سلجوقیان است. معزی مهرگان را در ردیف نوروز و اعیاد مذهبی قرار می‌دهد (امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۶۰۹). او رسم هدایای مهرگانی (امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۸۰۴) و سرودن قصیده‌های مهرگانی (امیرمعزی، ۱۳۱۸: ۴۴۲) را هم ذکر کرده است.

ازرقی هروی دو قصیده در تبریک مهرگان دارد که اولی به یکی از دیوانیان و دیگری به میرانشاه بن قاورد از خاندان سلجوقی تقدیم شده است (ازرقی هروی، ۱۳۳۶: ۸۰). عبد الواسع جبلی یک قصیده مهرگانی دارد که به یکی از دیوانیان تقدیم شده است (عبد الواسع جبلی، ۲۵۳۶: ۳۲۰). لامعی گرگانی دو سروده مهرگانی، یکی در مدح عمیدالملک کندی وزیر طغرل سلجوقی (لامعی گرگانی، ۱۳۱۹: ۱۵) و دیگری در مدح یکی از امیران محلی سلجوقی (لامعی گرگانی، ۱۳۱۹: ۱۴۰) سروده است. ادیب صابر ترمذی یکی از زیباترین سروده‌ها درباره مهرگان را دارد که در آن به توصیف پاییز و مهرگان می‌پردازد (ادیب صابر ترمذی، ۱۳۸۵: ۳۷۲).

برخلاف نوروز و مهرگان، از جشن سده در شعر دوره سلجوقی چندان نام برده نشده است. با این وجود اهمیت این جشن به اندازه‌ای بوده که امیرمعزی سده را در کنار نوروز و مهرگان آورده است:

فرخنده کرد خسرو مشرق به فرّ تو نوروز فرخ و سده و مهرگان خویش

(امیر معزی، ۱۳۱۸: ۴۲۱)

این شعر در مدح فخرالملک، پسر خواجه نظام‌الملک سروده شده که نشان از اهمیت این جشن در سال‌های بعد از ملکشاه دارد. با این وجود در دیوان‌های بررسی شده نشانه‌ای از برگزاری این جشن در دربار سلجوقی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد، مؤلفه‌های هویت ایرانی به‌طور گسترده‌ای در هر شش دیوان بررسی شده، آمده است و همه شاعران به این مؤلفه‌ها توجه داشته‌اند. واژه ایران

و مشتقات آن چون ملک ایران، ایران‌زمین، ایرانشهر، شاهنشاه ایران، بیش از هفتاد و شش بار و واژه عجم نیز بیش از نود بار در دیوان‌ها به‌کار رفته است. کاربرد گسترده واژه ایران و مشتقات آن در شعر سلجوقی در مقایسه با آثار تاریخی و اجتماعی دوره سلجوقی، که این واژگان در آنها کمیاب است، نشان می‌دهد ادبیات منظوم، چه در قالب آثار حماسی و چه در قالب اشعار مدحی نقش مهمی در حفظ این واژگان و جنبه هویتی آنها داشته‌اند، به‌طوری که تنها آثار منظوم، سلاطین سلجوقی را «شاهنشاه ایران» نامیده‌اند. عنوانی که بار سیاسی داشت و تنها به سلطان بزرگ سلجوقی خطاب می‌شد.

بررسی دیوان‌های سلجوقی نشان داد نام ده شخصیت اسطوره‌ای ۵۱۵ بار در این دیوان‌ها تکرار شده است. این توجه دو جنبه متضاد دارد. نمادپردازی و کاربرد گسترده آنها نشانه ریشه‌دار بودن اساطیر ایرانی در حافظه فرهنگی شاعران این دوره است. رواج این نمادها در ادبیات، پیوند محکمی میان هویت ایرانی و ادبیات فارسی پدید آورد که نقشی اساسی در حفظ هویت ایرانی در فراز و نشیب‌های تاریخی داشت. جنبه متضاد، رویکرد مدحی شاعران بود که با فروکاستن از جایگاه برخی از این شخصیت‌ها به نفع ممدوح همراه بود. این مسأله در بدترین حالت به ابیات امیرمعزی در مذمت فردوسی انجامید. اگرچه این ابیات موردی نادر بود که نه در دیوان امیرمعزی و نه هیچ یک از سایر دیوان‌های سلجوقی تکرار نشده، اما مقدمه منظومه یوسف و زلیخا نشان‌دهنده‌ی پیدایش دیدگاه مشابه در بین برخی از شاعران بعدی است.

در میان جشن‌های ایرانی نوروز ۱۰۰ بار و مهرگان ۵۶ بار در شعرها آمده است که بازتاب گسترده جشن‌های ایرانی در آثار منظوم را نشان می‌دهد. در این میان قصیده‌های نوروزی و مهرگانی، برگزاری باشکوه این جشن‌ها در دربار سلجوقی را اثبات می‌کنند و لیست مدح‌شدگان، شاهان سلجوقی را مهم‌ترین مشوقان این اشعار معرفی می‌کنند. این مسأله توجه شاهان سلجوقی به شعر فارسی و جشن‌های ایرانی به‌عنوان دو مؤلفه مهم هویت ایرانی را نشان می‌دهد. حمایت شاهان سلجوقی از زبان فارسی، تنها به شاعران مدیحه‌سرا محدود نماند و سرایش دو منظومه حماسی مهم بهمن‌نامه و کوش‌نامه و نگارش یکی از مهم‌ترین آثار درباره ایران باستان، یعنی فارسنامه ابن‌بلخی نیز به تشویق شاهان سلجوقی انجام شد. این شواهد نشان می‌دهد مؤلفه‌های هویت ایرانی در دربار سلجوقیان بزرگ مورد توجه بود و نظریاتی که با تکیه بر ترک بودن شاهان سلجوقی می‌کوشند آنها را نسبت به فرهنگ و هویت ایرانی بی‌توجه نشان دهند نیاز به بازنگری دارند.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۸): *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ادیب صابر ترمذی، صابر بن اسماعیل (۱۳۸۵): *دیوان ادیب صابر ترمذی*، تصحیح احمدرضا یلمه‌ها، تهران: نیک خرد.
- ازرقی هروی (۱۳۳۶): *دیوان ازرقی هروی*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: زوار.
- اسمیت، آنتونی (۱۳۸۳): *ناسیونالیسم (نظریه، تاریخ و ایدئولوژی)*، ترجمه منصور انصاری، تهران: تمدن ایرانی.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵): *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*، تهران: نی.
- امیرمعزی، محمد بن عبدالملک (۱۳۱۸): *دیوان معزی*، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: اسلامیه.
- انوری، محمد بن محمد (۱۳۶۴): *دیوان انوری*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: سکه - پیروز.
- باوند، داوود (۱۳۷۷): «چالش‌های برون‌مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، س ۱۲، صص ۲۰-۳۱.
- بیهقی، ابوالحسن (۱۳۷۴): *تاریخ بیهقی*، تصحیح خلیل خطیب رهبر، تهران: مهتاب.
- جبلی، عبدالواسع (۲۵۳۶): *دیوان عبدالواسع جبلی*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: امیرکبیر.
- جعفری، محسن (۱۳۹۵): «نوروز در ادبیات منظوم عصر سلجوقی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی فرهنگ و تمدن ایران در دوره سلجوقی*، ج ۱، صص ۳۶۰-۳۴۳.
- رزمجو، حسین (۱۳۸۱): *قلمرو ادبیات حماسی ایران*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- زاهد، سعید (۱۳۸۴): «هویت ملی ایرانیان»، *راهبرد یاس*، ش ۴، صص ۱۳۸-۱۲۹.
- سرافرازی، عباس (۱۳۹۵): «تقویت هویت ملی ایران در دوره سلجوقی»، *مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی فرهنگ و تمدن ایران در دوره سلجوقی*، ج ۲، صص ۶۹۲-۶۸۱.
- شعبانی، امامعلی؛ انصاری، آتنا (۱۳۹۱): «باستان‌گرایی در اندیشه و شعر امیر معزی»، *مطالعات تاریخ ایران اسلامی*، س اول، ش ۲، صص ۷۷-۵۷.
- شمشیری، بابک (۱۳۸۷): *درآمدی بر هویت ملی*، شیراز: نوید.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸): *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: فردوسی.
- صفوی، سیدحسین (۱۳۶۴): *اسکندر و ادبیات ایران و شخصیت مذهبی اسکندر*، تهران: امیرکبیر.
- طبسی، حمید (۱۳۸۰): «فرخی در برابر اساطیر»، *کیهان فرهنگی*، ش ۱۸۳، صص ۵۳-۵۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق): *العین*، محقق مخزومی مهدی و ابراهیم سامرائی، قم: مؤسسه دارالهجره.
- لامعی گرگانی (۱۳۱۹): *دیوان حکیم لامعی گرگانی*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: چاپخانه ایران.
- هولستی، ال آر (۱۳۸۰): *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*، ترجمه نادر سالرزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- یوسف و زلیخا (۱۳۴۴ق): *تصحیح میرزا محمود ادیب شیرازی*، بمبئی: مطبعه مظفری.